

رباعیات کمال اسماعیل اصفهانی

در دستنویس مورخ ۶۳۵ ق

۶۱-۷۳

چکیده: اهمیت کمال الدین اسماعیل اصفهانی در تاریخ رباعی فارسی غیر قابل انکار است. در جنگ های شعر و منتخبات ادبی، رباعیات بی شماری از او یافت می شود که نشان دهنده توجه خاص ادیبان، به رباعیات کمال اسماعیل است. رباعیات کمال به دلیل مضمون سازی خاص، شگرف کاری های ادبی و تنوع موضوعی، تا چندین سده متوالی در جنگ ها و تذکره ها و مجموعه های شعر نقل می شد. هدف نویسنده از نگارش نوشتار حاضر، معرفی یک دستنویس کهن است که سفینه ای از رسایل و اشعار فارسی و عربی را در بردارد و در آن، تعدادی از رباعیات کمال درج شده است. درج رباعیات کمال اسماعیل اصفهانی با ذکر اسم یا بدون ذکر اسم شاعر در سفینه مورخ ۶۳۵ ق، گویای آن است که رباعیات این شاعر در زمان حیات او، با اقبال جامعه ادبی ایران روبرو شده و به گزیده های شعراره یافته است.

کلیدواژه ها: رباعیات، رباعی، کمال اسماعیل اصفهانی، رباعی فارسی، رباعی سرایان.

Quatrains of Kamal Ismail Isfahani: in a manuscript dated 635 AH.

Ali Mirafzali

Abstract: The importance of Kamaluddin Ismail Isfahani in the history of Persian quatrains is undeniable. In the literary selections, countless quatrains of him can be found, which show the special attention of writers to the quatrains of Kamal Ismail. The quatrains of Kamal were quoted in Jungs and Tadhkiras and collections of poetry for several consecutive centuries due to their special themes, literary wonders and thematic variety. The author's purpose in writing this article is to introduce an ancient manuscript that contains a Safinah of Persian and Arabic dissertations and poems, in which a number of quatrains of Kamal are inserted. The inclusion of Kamal Ismail Isfahani's quatrains with or without mentioning the name of the poet in the Safinah dated 635 AH, shows that the quatrains of this poet during his lifetime, were welcomed by the literary community of Iran and found their way into poetry selections.

Keyword: Quartets, quatrains, Kamal Ismail Isfahani, Persian quatrains.

رباعيات كمال إسماعيل الأصفهاني في مخطوطة يعود تاريخها لسنة
٦٣٥ الهجرية
علي ميرافزالي

الخلاصة: لا يمكن إنكار أهمية كمال الدين إسماعيل الأصفهاني في تاريخ الرباعيات الفارسية. وتمتلك مجاميع الشعر والمنتخبات الأدبية بالعديد من رباعياته، الأمر الذي يشير إلى المكانة التي تحتلها رباعيات كمال إسماعيل لدى الأدباء.

وبسبب المضمون المميز والإبداع الأدبي والتنوع الموضوعي كانت رباعيات كمال وطوال القرون المتوالية تجد طريقها إلى المنتخبات وكتب التراجم والمجاميع الشعرية.

والذي يهدف إليه الكاتب في مقاله الحالي هو التعريف بإحدى المخطوطات القديمة التي تتضمن منتخبات من الرسائل والأشعار الفارسية والعربية، وفيها عدد من رباعيات كمال.

وإن وجود رباعيات كمال إسماعيل الأصفهاني - مع ذكر اسمه أو بدون ذلك - في مجموعة يعود تاريخها إلى سنة ٦٣٥ الهجرية إنما يؤشر حقيقة أن رباعيات هذا الشاعر كانت تحظى باستقبال واسع من الأوساط الأدبية الإيرانية في زمان حياته، مما أدى إلى إدراجها ضمن مجاميع المنتخبات الشعرية.

المفردات الأساسية: الرباعيات، الرباعي، كمال إسماعيل الأصفهاني، الرباعيات الفارسية، شعراء الرباعيات.

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (درگذشته ۶۳۵ ق)، در قصیده، غزل، رباعی و قطعه اشعار ماندگاری سروده، اما اهمیت او در تاریخ رباعی فارسی غیر قابل انکار است. از کمال، حدود ۱۱۰۰ رباعی در دست داریم که نام او را در ردیف رباعی سرایان پُرکار قرار می‌دهد. اقبال جامعه ادبی به رباعیات او در سده هفتم و هشتم ق، بسیار زیاد بوده است؛ تا آنجا که به فاصله دو سه دهه بعد از مرگ شاعر، جمال خلیل شروانی حدود ۲۸۰ فقره از رباعیات او را برای درج در کتاب *ارجمند نزهة المجالس برگزید*. در سایر جنگ‌های شعر و منتخبات ادبی سده‌های دور نیز رباعیات بی شماری از او یافت می‌شود که نشان‌دهنده توجه خاص ادیبان ما به رباعیات کمال اسماعیل است.^۱ ذکر رباعیات کمال در آثاری همچون تاریخ جهانگشای (۶۵۸ ق) یا متن فارسی عجایب المخلوقات قزوینی (۶۵۹ ق) از رواج و روایی رباعیات او در سال‌های میانی سده هفتم خبر می‌دهد (رک. جوینی، ۱۵۳؛ قزوینی، ۷۷ ر).

آنچه در این نوشتار می‌خواهیم مطرح کنیم، معرفی یک دستنویس کهن است که سفینه‌ای از رسایل و اشعار فارسی و عربی را در بردارد و در آن، تعدادی از رباعیات کمال درج شده است. این دستنویس، به شماره ۱۳۵۳ در کتابخانه فاضل احمد (کوپریلی) کشور ترکیه نگهداری می‌شود. کتابت این دستنویس در ماه‌های رمضان، شوال و ذی‌القعدة سال ۶۳۵ قمری صورت گرفته و اگر به قول مشهور اتکا کنیم که وفات کمال را دوم جمادی الاول سال ۶۳۵ ق ذکر کرده (رک. سمرقندی، ۱۵۳)، این رباعیات سه چهار ماه بعد مرگ شاعر به ثبت رسیده است. چنین قرابتی میان عهد کتابت اشعار با عصر زندگی یک شاعر، نصیب کمتر کسی از شاعران قدیم فارسی شده است. دستنویس مذکور، طبق آنچه در فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی آمده (ششن و دیگران، ۲: ۸۷-۸۹)، شامل رساله‌های زیر است:

(۱) *قلائد الحکم و فرائد الکلم*، قاضی ابویوسف اسفراینی (د. ۴۸۸ ق)؛ برگ ۱-۲۰ پ؛ کتابت: شنبه یازدهم ذی‌القعدة ۶۳۵ ق. این اثر، شامل سخنان کوتاه، سروده‌ها و مناجات امام علی (ع) است.

(۲) *قطعات نظم و نثر عربی و فارسی*؛ برگ ۲۰ پ-۳۱ پ؛ ناتمام، بدون رقم

(۳) *الکنایات و التعریض فی مدح النبی و ذمه*، ابومنصور ثعالبی نیشابوری (د. ۴۲۹ ق)؛ برگ ۳۵ ر-۵۴ پ؛ کتابت: سه شنبه آخر شوال ۶۳۵ ق. کتاب در سال ۴۰۰ هجری در نیشابور تألیف شده است.

(۴) *امثال طبقات الناس فی مدح النبی و ذمه*، مؤلف ناشناس؛ برگ ۱۱۸ ر-۱۵۵ پ؛ کتابت: جمعه ۲۶ رمضان ۶۳۵ ق.

۱. محمدرضا ضیاء در مقدمه تصحیح تازه خود از دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، شماری از جنگ‌های کهن را که در بردارنده رباعیات کمال اسماعیل است، معرفی کرده است (رک. اصفهانی، ۸۰ به بعد).

۵) منتخب اشعار، به گزینش ابن دُرید اُزدی (د. ۳۲۱ ق)؛ برگ ۱۱۹ پ-۱۲۲ پ؛ بدون رقم. این اشعار بر اساس حروف تهجی قافیه تنظیم شده و مابین آن‌ها چند ورق افتاده است.

نسخه در وضعیت فعلی ۱۲۲ برگ دارد و همه اجزای آن، به قلم یک کاتب است. می‌شود حدس زد که کتابت دو جزوی که فاقد رقم است نیز در یکی از ماه‌های یاد شده یا نزدیک به آن در سال ۶۳۵ ق صورت گرفته باشد.

ردیف دوم دستنویس که در فهرست کوپریلی به اجمال تمام در حدّ یک سطر معرفی شده، دو بخش مجزاً دارد و بسیار در خور توجه است. پاره نخست، منتخبات اشعار عربی و فارسی است (برگ ۲۱ تا ۲۹ پ). آنچه از اشعار فارسی در این منتخبات آمده، شامل ۲۷ رباعی است که نام دو گوینده آن‌ها ذکر شده: شهاب‌الدین سهروردی، یک رباعی (برگ ۲۵ پ) و کمال اسماعیل اصفهانی، ۱۷ رباعی (برگ ۲۵ پ-۲۶؛ ۲۹ ر-۲۹ پ).^۲ سایر رباعیات نام شاعر ندارد؛ اما اغلب آن‌ها، چنان‌که خواهیم دید، از کمال است.

در بخش اشعار عربی نیز رباعیات بی شماری به چشم می‌خورد و سه رباعی آن به نام قاضی ناصح‌الدین اَرْجانی (د. ۵۴۴ ق) ادیب ایرانی سده پنجم و ششم هجری است که به واسطه سروده‌های تازی اش شهرت بسیار دارد. یکی از رباعیات اَرْجانی، در همان قالب رباعی به پارسی نیز گزارش شده است (برگ ۲۱ ر). بیست و پنج رباعی عربی موجود در این منتخبات، از حیث ردگیری سنت رباعی سرایی به زبان تازی در سده ششم و اوایل سده هفتم هجری که به خلق رباعیات عربی قاضی نظام‌الدین اصفهانی (زنده در ۶۸۱ ق) انجامیده، بسیار با اهمیت و در خور بررسی جداگانه است.

جزو دوم این بخش، در نسخه با عنوان «الفصل فی الامثال و الاشعار» مشخص شده است و در وضعیت فعلی، چهار ورق بیشتر نیست. اوراقی از این فصل افتاده و برگ آخر آن نیز از نیمه پایینی پاره شده است (برگ ۲۹ پ-۳۲ پ). این چهار ورق، منتخبی از کتاب قرة العین قاضی اوش است و ۱۶ سال قبل از قدیم‌ترین نسخه کتاب (دستنویس ملی، مورخ ۶۵۱ ق) کتابت شده و با همه نقصانش، قدمت و اصالت نشر آن شایسته توجه بیشتر است و مشخص می‌کند که طی سال‌ها و سده‌ها، خوانندگان و رونویس‌کنندگان کتاب چگونه انشاء مؤلف را روزآمد و دگرگون کرده‌اند.

اینک، همه رباعیات این متن را به جهت پیوندی که با کمال اسماعیل اصفهانی دارد، عرضه می‌داریم.

۲. یکی از رباعیات، در دو موضع آمده و تکراری است.

واعظی بولی و بلیغی ماسول را جلیقی لایفک من الحادین
ولا حاکم من الدارین و بر حاکم من المستقرین

محمد را اله الطاهر الطاهر الخار و سلم لهما کثیرا لثمیرا ولم یست
احکامه و سرور و قدره منده حسن و بلیغ و سفا

قال الشيخ صلی الله علیه وسلم الغفر من الربعة و عشرين شاة

البول عریانا و لول کالجشاه و تحفه ثنات الخین و تحین قش الغیر الاصل
و التمد علی الشایخ و دعوة الولادین یا سمها و انضبل کل خشب
وعسل الیزین الطیر و العنق علی العقیة و انترضی هذا الشیخ
و ترک عسل القدر و الضار و و خیاطة الثوب علی الیدین و مسح الوجه
بالزبد و اکل البصل نیله و ترک البکویة فی البیتة و الحج من الجبل
بعد مسلوة الصبح سریدا و دخول الترویج بالیکره و الحج من السوق الخ
و اشباع الطیر من القنطرة و دعا الترویج علی اولاده و الوضوء عریانا
و ترک الیولایة غیر محترمة و اطفا التراج بالبخ و ترک التسمیه عند المکة
کثیری **و قیل انضا** مایورث القنطرة کثیر البیتة الجزیة و جمع
القاه خلف الباب و قض الحظان نیریا باللسان **صدق رسول الله**

الانعم

للتانفی رضی الله عنه

انعم عیاشا بعد ما کانت عیاشی طلائع شیب لیسر لیفین خضایفا
اذا سر و وجه المرء و ابیض رأسه تنقص من لایله سسطا یفا
تغیر عیاش المرء قبل شیبیه و قد نکت نفس نول شبا یفا
فا حزن الی الاحرار تکلم قتابهم فغیر تجارات الکرم الکتابها
و اذ رکوة الحماة و اعلم انفا کثل رکوة المال تم نضا یفا
و من یزق الدینا فانی طعننا و سبنا الینا عیاشا و عدا یفا
نم ارضا لای عیاش و لا و باطلا کالجح و نظیر الفلایه ساریفا
و احمی الی حقیة شکیلة علیها کایت همفی اجنابا یفا
فان تحلبها کت سلما لاهلها و ان یجد صا نازعنا کلابا یفا

للار جانیة

فی ندم الربعة نعتلک ضح کفک فی قناعی یتمتک
طوافا خان الیها تحرق من ح نوادی قیوید بحرک

توجهتها بالار سیه

اقتکره کثنت دل نه زعم دستنق و او نه که لکر کرد کم
سانا که ترا دت بسوزا تریم و ان یز تجمار دم کرد کم

احسیر لاجانی

اینها در مورد عیاشی است
عاشق را در طایفه عیاشی
عاشق را در طایفه عیاشی
عاشق را در طایفه عیاشی
عاشق را در طایفه عیاشی

شهاب المیزان السهروردی

استاذ من الزخرد و دانشمند اسرار زمانه هیچ ازین تنهت
از عام علوی در جان شرح داد لیکن حکم جوامع تراز کنت

لکمال الدین علی اصفهانی

خون دلین قیم ایضا نام جزیرا مانند بیابان کز اغاز جزیر
جان جزیرا به رب ابد امید اشک که لبش می بین از جزیر

وله

کردم من توا فراسی خجینت بسوزه زلفت کوی طغنه نیت
رعت بحکم ادهان تو بزرگ زانت که از دهان کوجان صینت

وله اوصاف

از عشق دهانت دل کین تکت کنتد فرا خندم ازین تکت
هر چند که در جهان فرخت دهان ماری درین فرخ شیرین تکت

وله

غای طلبی از غم جانان مکت وردل چیری زلف لیلیان مکت
و عیش خست باز در کای نظام ساجان داری از لیل دلمان مکت

وله

رخاک در تو در دوش ای طله مکت با بی خوانا کردم بدم زری مکت
ناروز

ناروز در دستم جزو غم نال کی کردیم ز صلواتی اندر بهار کی

وله

چون خست جز زبده بیوی خالت بر دای کل من تمام حالی
ای که توی کی که تری کویت و می مع توی نال که خوشی نالی

وله

کرم من خف حکایت اغاز کنم باخوردن خلق بغم اناز کنم
خون در دهان من زرد چو ده تو چون عجبی که من در دل باز کنم

وله

در عجب تو من شمع افزون کردم و انکه جو صلی ای که کلکون کرم
چون ساق با ذمه که از دل تکی چون لاله جک بشنوم خون کرم

وله

خزند نشند را بسازی من بر خاستشش خانم پروا کی من
ازین صای بوسه خان می خواهد دل کی بوی بخیرا ناز کی من

وله

ای من توبه بکنم عهد در سست زانندن توبی لایه ایهم
خوابی که جراحی تم از چشم جان اشکی که جوی روی همه دلاینت

لغیر

[۱] لارجانی

فی قلبی نار لوعة تقتلق
لا لا، فاخاف انها تحترق
ضع کفک فوقها عسی تمنحوق
من حر فؤادی فیزید الحرق

[۲] ترجمتها بالفارسیه

آتشکده گشته ست دل بنده ز غم
نی نی که تورا دست بسوزد ترسم
دست تو بر او نه که مگر گردد کم
و آن نیز به تیمار دلم گردد هم

(برگ ۲۱ ر)

[۳] آخر

از گردش چرخ بی خرد می ترسم
ز آن روی که بر کس اعتمادی بنماند
در هر حالی ز نیک و بد می ترسم
از هم رهی سایه خود می ترسم

(برگ ۲۴ پ)

[۴] آخر

از خاطر اندیشه بسی خون آورد
سودای نکوئی که در سر بودش
تا دانستم کان خط خوش چون آورد
از عارض او زمانه بیرون آورد

[۵] آخر

زلفت که جهان کرد مسخر به زنج
چون دید خط که کار کار زنج است
بگرفت اقالیم سراسر به زنج
او نیز بر آورد سبک سربه زنج

[۶] آخر

خط تو که ره جست ز هر در به زنج
زنهار رها مکن که بوسد لب تو
خطی نه بر اصل است بر آور به زنج
گستاخ شود، بر آورد سربه زنج

[۷] آخر

گرچه غم تو دست به خونم شسته است
بر چشم خودت جای کنم تا گویند
من سخت بکوشم ارچه عهدت سست است
سروری به کنار جویباری رسته است

[۸] آخر

چشمت به کرشمه از سر طنازی
دی گفت: شبی به وصل ما پردازی
گویی که در آن چه دیده باشد چشمت
جز آنکه همی کند به مردم بازی
(برگ ۲۵ ر)

[۹] لشهاب الدین السهروردی

استاد من آن با خرد و دانش جفت
اسرار زمانه هیچ از من ننهفت
از عالم علوی و ز جان شرح داد
لیکن چه کنم چو با کسی نتوان گفت

[۱۰] لکمال الدین اسماعیل اصفهانی

خون دل من بتم به صد ناز خورد
مانند پیاله ای کز آغاز خورد
جانم چو پیاله بر لب آمد به امید
باشد که لبش دمی به من باز خورد

[۱۱] وله

گرد در دهن تو از فراخی سخنی است
آسوده ز گفت و گوی هر طعنه زنی است
گر هست به چشم ما دهان تو بزرگ
زان است که آن دهان نه کوچک دهنی است

[۱۲] وله ایضا

از عشق دهانت دل مسکین تنگ است
گفتند فراخ است، دلم زین تنگ است
هر چند که در جهان فراخ است دهان
باری دهن فراخ شیرین، تنگ است

[۱۳] وله

شادی طلبی، از غم جانان مگسل
ور دل جویی، ز زلف ایشان مگسل
ور عیش خوشت باید و کاری به نظام
تا جان داری، زان لب و دندان مگسل

[۱۴] وله

بر خاک در تو دوش ای سلسله موی
با بی خوابی کرده بُدم روی به روی
تا روز ز دست هجر چون فرعه فال
می گردیدم ز پهلو اندر پهلو
(برگ ۲۵ پ)

[۱۵] وله

چون نیست چمن ز رنگ و بویی خالی
 ای ابر! تو می‌گری که ترمی‌گیری
 پروای گل و سمن ندارم حالی
 وی مرغ! تو می‌نال که خوش می‌نالی

[۱۶] وله

گر من ز غمت حکایت آغاز کنم
 خون در دل من فسرده بینی ده تو
 با خود دل خلقی به غم انباز کنم
 چون غنچه اگر من سردل باز کنم

[۱۷] وله

در هجرت من ز شمع افزون گریم
 چون ساغر باده‌ام که از دل تنگی
 و آنکه چو صراحی اشک گلگون گریم
 چون ناله چنگ بشنوم، خون گریم

[۱۸] وله

خرسند نشد یار به سربازی من
 از من به بهای بوسه جان می‌خواهد
 برخاست غمش به خانه‌پردازی من
 دل می‌گوید: بخربه انبازی من

[۱۹] وله

ای عزم تو بر شکستن عهد درست
 خوابی که چو آبی، کنم از چشمت جای
 ز آمد شدن تو پای او میدم سست
 اشکی که چو می‌روی، همه دل با توست

[۲۰] لغیره

(برگ ۲۶ ر)

گرچه خوش نیست حالت ناخوش ما
 با آتش دل چو شمع دل خوش کردیم
 درد دل ماست این دل سرکش ما
 کابی است ز سر گذشته این آتش ما

[۲۱] آخر

زیبید اگر از جمله بدی بگریزی
 هم باده گرت به جان ستانی میل است
 در خرمی و عیش و طرب آویزی
 هم جرعه اگر دل دهدت خون ریزی

(برگ ۲۶ پ)

[۲۲] لکمال الدین اسماعیل اصفهانی

چون دید صبا میان بستان گل را
 وز بی شرمی پیش تو خندان گل را

در حال درآویخت به پایش ز درخت
پس کرد ز خار، تیرباران گل را
[۲۳] وله

دل گرچه امید وصل کمتر دارد
اندوه تو را به ناز در بر دارد
هرجا که رسد مردمک دیده من
از شکر خیال تو، زبان تر دارد

[۲۴] وله
بلبل که نبود در چمن پروازش
بی برگي شاخ کرده بُد بی سازش

چون داد شکوفه سیم مطرب بازش
بنگر که به چرخ می رسد آوازش

[۲۵] وله
گر من ز غمت حکایت آغاز کنم
با خود دل خلقی به غم انباز کنم

خون در دل من فسرده بینی ده تو
چون غنچه اگر من سر دل باز کنم

[۲۶] وله
در روزه چو نیست روی می نوشیدن
گل را به چه کار است چنین خندیدن

(برگ ۲۰ ر)

مشکل کاری، به وقت گل، اندر پیش
قنديل به جای ساتکینی دیدن

[۲۷] آخر
گل در مه روزه همچنان می خندد
گویی که به طنز بر جهان می خندد

می روشن و نوبهار و مردم هشیار
گل را عجب آمده ست از آن می خندد

[۲۸] آخر
از روی تو زلف باز پس می افتد
در پای تو چون من به هوس می افتد

چشم تو که عالمی نیاید در وی
مست است، از آن بر همه کس می افتد

(برگ ۲۹ پ)

توضیحات رباعیات

رباعی ۱. رک. الازجانی، ۳: ۱۰۱۰ (در دیوان، به جای تفتلق، تعلق است). هر سه رباعی که در این سفینه به نام ازجانی است و دیگر رباعیاتی که در دیوانش جای دارد، همگی به سیاق رباعیات کهن

پارسی چهار قافیه ای است. رباعی سوم این سفینه، در دیوان ازجانی دیده نمی شود.

رباعی ۲. نام گوینده رباعی قید نشده، اما هر که هست، پیش از ۶۳۵ ق می زیسته است. عنوان رباعی در دستنویس ما به گونه ای است که گویی رباعی فارسی، برگردان رباعی ازجانی است، اما در دیوان ازجانی، با عنوان «فی تعریب رباعیة فارسیة» آمده و معلوم می دارد که ازجانی رباعی فارسی را به عربی برگردانده است. بنابراین، رباعی فارسی باید از یادگاران قرن پنجم یا اوایل قرن ششم هجری باشد.

رباعی ۳. از کمال اسماعیل اصفهانی است (رک. اصفهانی، ۳۲۸)؛ نیز رک. شروانی، ۶۱۱ (آخر).

رباعی ۴. گوینده این رباعی را نیافتیم.

رباعی ۵. با تفاوت هایی در بیت نخست، در دیوان کمال اسماعیل آمده است (اصفهانی، ۲۶۲).
بیت دوم آن، در روضة الناظر نیز به اسم کمال اسماعیل است (کاشانی، ۲۳۲):

ای لعل لبست گشته دلاور به زنج وی کرده رخت جهان مسخر به زنج

چون دید خطت که کار کار زنج است او نیز برآورد سبک سربه زنج

در سفینه کهن رباعیات (ص ۱۹۱)، با تغییرات دیگری در بیت نخست، به اسم «محرمی» درج شده است:

ای کرده خطت جهان مسخر به زنج بر پرز مگس گرفته شکر به زنج

از آنجا که نام کمال اسماعیل بر رباعی بعد از آن دیده می شود، احتمال خطای کاتب را در درج اسامی از نظر دور نباید داشت. ضبط سفینه فاضل احمد (کوپرلی) به دلیل قدمت و انسجام درونی بیشتر، باید مورد توجه قرار گیرد.

رباعی ۶. در نزهة المجالس، به عین عبارت، به نام شمس هروی درج شده است (شروانی، ۳۱۵).

رباعی ۷. در سفینه کهن رباعیات (ص ۲۱۱) به اسم «مزینه» درج شده است. اگر این نام شاعر باشد، شاعری گمنام و فراموش شده محسوب می شود.

رباعی ۸. رباعی از آن کمال اسماعیل است (رک. اصفهانی، ۲۶۹؛ کاشانی، ۲۷۱ پ). در سفینه کهن کتابخانه دانشگاه استانبول نیز که در سده هفتم ق فراهم آمده، بی نام گوینده درج است (سفینه اشعار، ۲۱ پ).

رباعی ۹. این سفینه، قدیم ترین منبعی است که رباعی به نام شیخ شهاب الدین مقتول (د. ۵۸۷

ق) آورده است. قطب‌الدین اهری که به آراء سهروردی توجه داشته و ممکن است در روزگار جوانی، او را درک کرده باشد، در کتاب خود به این رباعی، بی نام گوینده استشهد جُسته است (اهری، ۲۱۵). برخی اجزاء و اصطلاحات رباعی سهروردی، یادآور یکی از رباعیات منسوب به خیتام نیز هست: «اسرار زمانه گفت می نتوانم» (رک. شروانی، ۶۰۰).

رباعی ۱۰. رک. اصفهانی، ۲۶۵.

رباعی ۱۱. رک. اصفهانی، ۲۶۴؛ جاجرمی، ۲: ۱۱۸۶ (کمال)؛ شروانی، ۴۰۲ (بی نام).

رباعی ۱۲. رک. اصفهانی، ۲۶۴؛ کاشانی، ۲۶۹ (کمال)؛ جاجرمی، ۲: ۱۱۸۶ (کمال)؛ شروانی، ۴۰۲ (بی نام).

رباعی ۱۳. رک. اصفهانی، ۲۵۵؛ سراج، ۲۵۹ (بی نام).

رباعی ۱۴. رک. اصفهانی، ۲۲۹.

رباعی ۱۵. رک. اصفهانی، ۲۹۴.

رباعی ۱۶. رک. اصفهانی، ۲۹۰.

رباعی ۱۷. رک. اصفهانی، ۳۰۹؛ شروانی، ۱۴۶ (کمال).

رباعی ۱۸. رک. اصفهانی، ۲۸۷؛ شروانی، ۴۱۹ (کمال).

رباعی ۱۹. رک. اصفهانی، ۲۷۶.

رباعی ۲۰. با اینکه این رباعی در دنباله رباعیات کمال با عنوان «لغیره» آمده و مفهومش این است که از کمال نیست، ولی در دیوان کمال اسماعیل به نقل از چندین نسخه کهن دیده می شود (رک. اصفهانی، ۳۱۵). بنابراین، حتی در کهن ترین منابع هم، احتمال خطای کاتبان را باید در نظر گرفت. علاوه بر گواهی نسخه های قدیمی، قرینه دیگری که مؤید صحت انتساب رباعی به کمال است، رباعیات مشابهی است که دیوان کمال اسماعیل با مضمون آب از سر شمع گذشتن، در پیش و پس همین رباعی وجود دارد.

رباعی ۲۱. این رباعی نیز در دیوان کمال اسماعیل دیده می شود (رک. اصفهانی، ۳۰۷).

رباعی ۲۲. رک. اصفهانی، ۲۹۳؛ جاجرمی، ۲: ۱۱۷۸ (کمال).

رباعی ۲۳. رک. اصفهانی، ۲۳۱؛ شروانی، ۴۳۵ (کمال)؛ تبریزی، ۶۰۶ (کمال)؛ سراج، ۲۸۳ پ (بی نام).

رباعی ۲۴. رک. اصفهانی، ۲۹۷؛ بیاض اشعار، ۴۴۷ پ (فی البلبل و القمری).

رباعی ۲۵. این رباعی را کاتب پیشتر هم آورده است (ش ۱۶) و همین تکرار، می تواند خود نشانه ای از بی دقتی او باشد.

رباعی ۲۶. رک. اصفهانی، ۳۰۱. در سفینه کهن رباعیات به نام اثیرا خسیکتی ثبت شده است (ص

۱۴۹). اما گواهی این سفینه کهن، و نسخه های متعدد دیوان کمال اسماعیل بر روایت لِرزان سفینه

کهن رباعیات از هر جهت برتری دارد.

رباعی ۲۷. با اینکه موضوع این رباعی و رباعی قبلی هر دو در مورد مقارن شدن ماه رمضان با فصل بهار است و هر دو رباعی در دیوان کمال اسماعیل موجود است (رک. اصفهانی، ۳۰۸)، کاتب در عنوان رباعی به جای لفظ «وله» از کلمه «آخر» استفاده کرده است. اگرچه کلمه «آخر» نیز قابل تأویل در جهت تأیید انتساب رباعی به کمال است، اما کاربرد آن چه در این متن و چه در متون دیگر (مثل نزهة المجالس)، همه جا معادل «وله» نیست و اگر تکلیفش به درستی روشن نشود، می‌تواند باعث فریب خوانندگان یک متن شود. قابل ذکر است که رباعی در چهار جُنگ کهن دیگر نیز به نام کمال اسماعیل است (رک. سفینه کهن رباعیات، ۱۳۸، پانویس ۲۷۵).

رباعی ۲۸. این رباعی نیز از کمال اسماعیل است (رک. اصفهانی، ۲۵۳)؛ نیز رک. شروانی، ۳۰۳ (کمال)؛ کاشانی، ۲۳۱ پ، ۲۷۰ پ (کمال).

سخن پایانی

درج رباعیات کمال اسماعیل اصفهانی با ذکر اسم یا بدون ذکر اسم شاعر در سفینه مورخ ۶۳۵ ق، گویای آن است که رباعیات این شاعر در زمان حیات او، با اقبال جامعه ادبی ایران روبه‌رو شده و به گزیده‌های شعرراه یافته است. رباعیات کمال به دلیل مضمون‌سازی خاص، شگرف‌کاری‌های ادبی و تنوع موضوعی، تا چندین سده متوالی در جُنگ‌ها و تذکره‌های و مجموعه‌های شعر نقل می‌شد.

نکته بعد، توجه به این امر مهم است که سفینه‌های خطی، حتی قدیمی‌ترین آن‌ها، همواره نیازمند نقد و بررسی دقیق است و درج شعری در یک جُنگ کهن، حجت قاطع برای صحت انتساب آن یا درستی ضبط واژگان شعر نیست. بیشترین خطای کاتبان، درج عناوین نادرست و گمراه‌کننده از قبیل: «و له»، «آخر» و «لغیره» است و توجه به قراین درون‌متنی و برون‌متنی در بررسی انتساب‌ها، بخصوص در رباعیات، ضروری است.

فهرست منابع

- الارجانی، ناصح‌الدین ابی‌بکر احمد؛ دیوان الارجانی، تحقیق: محمد قاسم مصطفی، بغداد، وزارة الثقافة و الاعلام، ۱۹۷۹-۱۹۸۱م، ج ۳
- اصفهانی، کمال‌الدین اسماعیل؛ دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (غزلیات و رباعیات)، تصحیح و تحقیق: محمدرضا ضیاء، تهران، بنیاد موقوفات افشار، با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۹
- اهری، عبدالقادر؛ الاقطاب القطبیه او البلغة فی الحکمة، تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۵۸
- بیاض اشعار؛ دستنویس شماره ۳۴۳۲ کتابخانه اسعد افندی، کتابت: تاج‌الدین علی ابن احمد تبریزی، ذی القعدة ۸۲۷ ق، ۴۸۱ برگ
- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود؛ سفینه تبریز (چاپ عکسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱
- جاجرمی، محمد بن بدر؛ مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، به اهتمام میرصالح طیبی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ج ۲
- جوینی، عطا ملک؛ تاریخ جهانگشای، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۱۱-۱۹۳۷م، ج ۳
- سراج، محمود بن احمد بن محمود تبریزی؛ مجموعه اشعار فارسی، دستنویس شماره ۲۰۵۱ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت: ۷۳۰ ق، ۲۹۶ برگ
- سفینه اشعار؛ دستنویس شماره ۷۳۸ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هفتم ق، ۳۰ برگ، فیلم ۲۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- سفینه کهن رباعیات، مؤلف ناشناس، تصحیح و تحقیق: ارحام مرادی، محمد افشین وفاپی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۵
- سمرقندی، امیر دولت‌شاه بن علاء الدوله؛ تذکرة الشعراء، تصحیح ادوارد برون، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۰۰م
- شروانی، جمال خلیل، نزهة المجالس، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶
- ششن، رمضان؛ ایزکی، جواد؛ آفیکار، جمیل؛ فهرس مخطوطات مکتبة کوپریلی، تقدیم: اکمل‌الدین احسان اوغلی، ترکیه، مرکز الأبحاث للتاریخ و الفنون و الثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۶ق، ۳ جلد
- قزوینی، زکریا؛ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (تحریر فارسی)، دستنویس شماره ۴۱۷۴ کتابخانه فاتح، کتابت: احمد بن محمد بن ابی‌منصور الکاظمی، آخر رمضان ۶۹۹ ق، قریه گردخان، ۱۴۶ برگ
- کاشانی، عبدالعزیز؛ روضة الناظر و نزهة الخاطر، دستنویس شماره ۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق، ۳۰۴ برگ، فیلم شماره ۲۴۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

